

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۲۱، پاییز ۱۳۹۵

تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق.)^۱

محمدعلی رنجبر^۲
مهدی دهقان حسام پور^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۹

تاریخ تصویب: ۹۴/۱۲/۲

چکیده

تحولات اقتصادی در قرن نوزدهم میلادی، معادلات اقتصادی را در کل دنیا تغییر داد. اقتصاد ایران نیز از این تحولات مصون نماند و در مواجهه با اقتصاد سرمایه داری، از یک اقتصاد معیشتی و سنتی به یک اقتصاد نیمه معیشتی و شبه سرمایه داری تغییر یافت. اقتصاد ایران در شکل جدید متحول شده خود، به الگوی اقتصادهای کشورهای پیرامونی نزدیک، و به یکی از تولیدکنندگان مواد خام برای بازارهای جهانی تبدیل شد. تا پیش از این تحولات، تریاک در اقتصاد سنتی ایران کالایی غیرتجاری شناخته می شد. از نیمه دوم قرن نوزدهم تریاک به یک کالای تجاری در اقتصاد ایران تبدیل شد.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2016.2510

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز؛ ranjbar@shirazu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز؛ md6998@gmail.com

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در چارچوب نظریه وابستگی و براساس شاخص‌های آن، عواملی مانند رونق تولید مواد خام، افزایش حجم تجارت، زوال صنایع دستی و نقش انگلستان به عنوان مرکز اقتصاد سرمایه‌داری، از علل اصلی تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران هستند. در کنار این علل بیرونی، برخی عوامل داخلی مانند بیماری کرم ابریشم، تراز منفی تجاری، نقش دولت قاجاریه و برخی دولتمردان مانند میرزا حسین خان سپهسالار در رابطه با تریاک و ویژگی‌های منحصر به فرد این ماده خام، موجب زیاد شدن تولید تریاک شدند. در نتیجه چنین عواملی بود که این ماده خام در فاصله کمی بعد از تجاری شدن در اقتصاد ایران به مهم‌ترین کالای صادراتی تبدیل شد و نقش مهمی در روند اقتصادی ایران ایفا کرد. این پژوهش بر آن است با تکیه بر مبانی نظری و براساس منابع تاریخی، علل تبدیل تریاک در اقتصاد ایران به یک کالای تجاری را بررسی کند.

واژگان کلیدی: تریاک، تجاری شدن، وابستگی، دوره قاجاریه، اقتصاد

ایران.

مقدمه

تحولات اقتصادی ایران در قرن نوزدهم از جمله مسائل تأمل برانگیز تاریخ ایران در آن سده است. اقتصاد ایران که تا قبل از قرن نوزدهم به عنوان یک اقتصاد درون‌زا^۱ و معیشتی شناخته می‌شد، تحت تأثیر تحولات جهانی به یک اقتصاد برون‌زا^۲ و وابسته تبدیل گشت. وابستگی وضعیتی است که در آن اقتصاد گروهی از کشورهای جهان سوم تابع اقتصادی گروهی دیگر از کشورها پیشرفته سرمایه‌داری می‌شود. این رابطه وابستگی از آنجا به وجود آمده است که این دو دسته کشورها در حالی وارد روابط متقابل تجاری شدند که در درون کشورهای گروه دوم (پیشرفته) انگیزه‌ها و توانایی‌های توسعه و گسترش وجود داشت، ولی

۱. اقتصادی که تحولات آن از درون شکل بگیرد و از دل همان جامعه باشد.

۲. اقتصادی که تحولات آن به صورت القایی از بیرون آن جامعه باشد و خودجوش نباشد.

در کشورهای گروه اول (وابسته) به علل مختلف چنین انگیزه‌ها و توانایی‌هایی وجود نداشته است. در چنین شرایطی، کشورهای عقب‌مانده‌تر فقط می‌توانستند از توسعه کشورهای پیشرفته متأثر شوند (بدون اینکه بر آنها تأثیری بگذارند) و بدین ترتیب «وابستگی متقابل» به «وابستگی» تبدیل شد. این وابستگی تحولات گسترده‌ای به دنبال خود آورد که به آن «توسعه وابسته» نام داده‌اند. توسعه وابسته، بیانگر روندی است که در آن اقتصاد وابسته برای برآوردن نیازهای اقتصاد متروپل تغییر شکل می‌دهد و دگرسان می‌شود. چنین وضعیتی بر ایران قرن نوزدهم عارض شد و از اوایل این قرن اقتصاد ایران توسعه وابسته را تجربه کرد. در چنین شرایطی تولید مواد خام برای بازار جهانی، که یکی از ویژگی‌های وابستگی است، به یک رویه در اقتصاد ایران تبدیل شد. یکی از این مواد خام که نقش مهمی در اقتصاد ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم ایفا کرد تریاک بود.

گزارش‌های زیادی از کاشت خشخاش و مصرف فراوان تریاک تا قبل از دوره صفویه وجود ندارد، اما دوره صفویه نقطه عطفی نه در تولید بلکه مصرف تریاک بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد که در دوره صفویه مصرف تریاک بسیار بالا بود. این مسائل به قدری، حاد بود که شاه عباس دوم در سال ۱۶۲۱م. (۱۰۳۰ ق.) استعمال تریاک را در قشون به‌طور کلی ممنوع کرد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۸). علی‌رغم این حجم مصرف، گزارشی از صدور آن یا حتی کاشت وسیع خشخاش در دوره صفویه وجود ندارد و به نظر می‌رسد که تولید و مصرف آن، تنها در سطح خانواده‌ها بود. تاورنیه در شرحی که از امتعه و مال‌التجاره ایران در عصر صفویه دارد هیچ اشاره‌ای به تریاک نمی‌کند و از محصولات مانند ابریشم، روناس، پنبه و پسته به عنوان محصولات صادراتی ایران نام می‌برد (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۰۳-۶۰۰). این روند در نیمه قرن نوزدهم دچار تغییر قابل توجهی شد. به یکباره در فاصله چندین سال کاشت تریاک چندین برابر گردید و به یکی از اقلام اصلی صادراتی ایران تبدیل شد.

در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌ها هستیم که اولاً علت تبدیل تریاک به یک کالای تجاری در اقتصاد ایران چه بود؟ و ثانیاً چه عواملی به افزایش روزافزون تولید تریاک در دوره قاجار یاری رساند؟

این تحقیق بر این فرضیه استوار است که تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران، محصول تحولات خودجوش و نظام‌مند داخلی نبود، بلکه ریشه در بیرون از اقتصاد ایران داشت. علاوه بر این، برخی عوامل داخلی مانند بیماری کرم ابریشم، تراز منفی تجاری، نقش قاجارها به عنوان فعالان مرکز اقتصادی و ویژگی‌های خاص تریاک، تولید آن را تشدید و تسریع کرد. ساختار پژوهش کنونی بر مبنای پاسخ به دو سؤال مطرح‌شده، تنظیم شده است. در بخش اول به علل تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود و در بخش دوم عوامل تشدیدکننده آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

مسئله تریاک در دوره قاجاریه یکی از موضوعات مهمی است که مانند سایر مسائل اقتصادی و اجتماعی توجه چندانی به آن نشده است. از جمله تحقیقات مهمی که به مسئله تریاک در دوره قاجاریه پرداخته‌اند، می‌توان به دو مقاله نگارندگان با عنوان «علل رواج اعتیاد در جامعه عصر قاجار و آثار اجتماعی آن» و «جایگاه تریاک در تجارت خارجی ایران در دوره قاجار» اشاره کرد. در مقاله اول، علل رواج اعتیاد بر پایه اسناد این دوره مورد بررسی قرار گرفته است و در مقاله دوم روند صادرات تریاک از ایران و کشورهای واردکننده تریاک از ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مقاله سعیدی‌نیا با عنوان «تجارت تریاک در بنادر شمالی خلیج فارس (۱۳۴۳-۱۳۹۱ق.ج)» به تجارت تریاک در حوزه خلیج فارس و آثار آن بر اقتصاد این منطقه می‌پردازد. قباد منصوربخت نیز در مقاله‌ای با عنوان «کشاورزی تجاری در دوره قاجار» به محصولات مهم کشاورزی، که به کالای تجاری تبدیل شدند، می‌پردازد. منصوربخت هرچند به تریاک نیز اشاره می‌کند، اما به علل تجاری شدن این محصول نمی‌پردازد و تنها از جایگزینی محصول ابریشم با تریاک یاد می‌کند. احمد سیف نیز در کتاب اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، از دیدگاه یک اقتصاددان با بررسی کلی اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، در فصلی به افزایش تولید تریاک و آثار آن پرداخته است. آنچه این پژوهش را از سایر تحقیقات صورت گرفته متمایز می‌سازد، این است که این پژوهش با تکیه بر نظریه وابستگی و استفاده از داده‌های مورد

نیاز به علل ریشه‌ای تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران در دوره قاجار می‌پردازد. همچنین عوامل داخلی تشدید و ویژگی‌های خاص این محصول در تبدیل شدن به یک ماده تجاری پروتوق را نیز در نظر می‌گیرد.

نظریه وابستگی و تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران

وابستگی^۱ در ساده‌ترین معنا عبارت است از دنباله‌روی و تأثیرپذیری یک موضوع (اعم از شخص، کشور و متغیر) از موضوع دیگری است و مراد از کشورهای وابسته نیز کشورهای است که امور و تحولات آنها تحت تأثیر و کنترل کشورهای دیگر است (ساعی، ۱۳۸۴: ۹۰).

فیلیپ اوبراین^۲ به وجود سه سنت متفاوت در نظریه وابستگی اشاره کرده است: سنت اول از دیدگاه ساختارگرایانه «کمسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین» (اکلا)،^۳ تحت حمایت رائل پریش،^۴ اقتصاددان آرژانتینی سرچشمه گرفته است.

سنت دوم از چارچوبی مارکسیستی ریشه گرفته است. این گروه به رهبری دوس سانتوس و هموطن برزیل وی «روئی مارو مارینی» بر علیه سنت گرایی و جزم‌گرایی استالینسم شوریدند. اینان کوشیدند تا مفهوم وابستگی را در قالب نظریه مارکسیستی سرمایه‌داری و نظریه لنینیستی امپریالیسم جا دهند. به نظر فیلیپ اوبراین، سه جامعه‌شناس یعنی «کاروزو» به همراه «اوکتاویوانی»^۵ و «آنیبال کوئیجانو»^۶ دو دیدگاه مارکسیستی و ساختارگرایانه را با یکدیگر تلفیق کرده و سومین سنت را در نظریه وابستگی به وجود آوردند (کارل دویچ و دیگران، ۱۳۷۵، ۳۵۸).

صاحب‌نظران مکتب «اکلا» اواخر قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم را دوره «توسعه برونزا» می‌دانند. به نظر آنها در این دوره آمریکای لاتین عهده‌دار تهیه مواد خام و منابع غذایی برای کشورهای صنعتی بود و در مقابل کالاهای تولیدی از این کشورها وارد

1. Dependencia

2. Philip j. OBrien

3. U.N. Economic Commission For Latin America (ECLA)

4. Raul Perbish

5. Octavio Ianni

6. Anibal Quijano

می‌کرد. آنها این رابطه بین کشورهای آمریکای لاتین (کشورهای پیرامون یا اقمار) و کشورهای صنعتی (کشورهای مرکزی یا متروپل) را یک رابطه نابرابر و نامتعادل می‌دانند (از کیا، ۱۳۸۰، ۱۳۱). بر این مبناست که به نظر راثول پریش «کشورهای آمریکای لاتین بخشی از نظام اقتصادی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند که وی آن را (مرکز-پیرامون) نامیده است» (مایر و دیگران، ۱۳۶۸، ۲۴۱). پریش وابستگی را روابطی میان مرکز و پیرامون می‌داند که به واسطه آن یک کشور نه تنها در زمینه مسائل اقتصادی، بلکه در زمینه مسائل سیاسی و استراتژی‌های داخلی و خارجی خود تابع تصمیمات اتخاذ شده در مرکز می‌شود. (رونالد، ۱۳۷۵، ۳۳).

یکی از مشهورترین و مطرح‌ترین توجیه و تعریف نئومارکسیستی از وابستگی متعلق به «دوس سانتوس» می‌باشد. وی وابستگی را وضعیتی می‌داند که در آن اقتصاد گروهی از کشورها (مثلاً کشورهای جهان سوم) تابع اقتصادی گروهی دیگر از کشورها (مثلاً کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری) است و این رابطه وابستگی از آنجا به وجود آمد که این دو دسته کشورها در حالی وارد روابط متقابل تجاری شده‌اند که در درون کشورهای گروه دوم (پیشرفته) انگیزه‌ها و توانایی‌های توسعه و گسترش وجود داشته، ولی در کشورهای گروه اول (وابسته) به دلایلی چنین انگیزه‌ها و توانایی‌هایی وجود نداشته است. در چنین شرایطی، کشورهای اخیر فقط می‌توانستند از توسعه کشورهای پیشرفته متأثر شوند (بدون اینکه بر آنها تأثیری بگذارند) و بدین ترتیب «وابستگی متقابل» به «وابستگی» تبدیل شده است (همان، ۱۲۴). این قسمت از تعریف دوس سانتوس، همان چیزی است که به بیان‌های دیگر در تعاریف مکتب اکلا نیز وجود داشت. اما دوس سانتوس یک جنبه دیگر نیز برای وابستگی ذکر می‌کند و آن تأثیر «رابطه وابستگی» بر ساختارهای داخلی کشورهای وابسته است. او می‌گوید: «وابستگی، مشروط‌کننده ساختار داخلی خاصی است و آن را به تابعی از امکانات ساختاری اقتصادهای مشخص ملی تبدیل می‌کند» (همان، ۱۲۵).

دوس سانتوس از نظر تاریخی در آمریکای لاتین سه الگوی وابستگی را از یکدیگر تمیز می‌دهد: الگوی اول عبارت است از وابستگی تجاری دوران استعمار؛ که در آن استعمارگران انحصارات تجاری، کنترل زمین‌ها، معادن و نیروی کار را در جوامع تحت

استعمار در دست داشتند. الگوی دوم یا وابستگی مالی - صنعتی نیز مقارن دوران امپریالیسم در پایان قرن نوزدهم است و حاکی از سلطه سرمایه‌های بزرگ در مراکز هژمونیک و گسترش آن در خارج بود، و بالاخره نوع جدید وابستگی یعنی وابستگی تکنولوژیک - صنعتی که پس از جنگ جهانی دوم به ظهور رسیده و ویژگی آن سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در صناعی است که بازارهای داخلی کشورهای توسعه‌نیافته را هدف خود قرار داده‌اند (همان، ۱۲۶).

کاردوزو و فالتو، در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی با انتقاد از نظریات مکتب اکلا، از آن جدا شده و مباحثی را درباره وابستگی مطرح کردند که به نظریه «وابستگی جدید» معروف است. آنها کوشیدند در توضیح و تبیین وابستگی به نقش عوامل داخلی کشورهای وابسته نیز توجه کنند. به نظر آنها اشتباه است اگر امپریالیسم و وابستگی را دو روی یک سکه بدانیم، چون در این صورت تعامل خارجی (امپریالیسم) را به‌عنوان فعال مایشاء و کشورهای وابسته را به عنوان موجوداتی منفعل تلقی کرده‌ایم. آنها استدلال می‌کردند که در این روند نه صرفاً عوامل خارجی، بلکه مناسبات میان نیروهای داخلی و خارجی است که وابستگی را شکل می‌دهد. آنها وابستگی را این گونه تعریف کرده‌اند: «از نظر اقتصادی، یک سیستم زمانی وابسته است که انباشت و گسترش سرمایه نتواند عناصر ضروری پویای خود را در درون سیستم بیابد» (ساعی، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

اقتصاد سنتی و معیشتی ایران نیز در قرن نوزدهم روندی همانند اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین پشت سر گذاشت و بعد از مواجهه با اقتصاد نوظهور سرمایه‌داری و سیاست‌های توسعه‌طلبانه قدرت‌های استعماری روس و انگلیس، متحول شد و به یک اقتصاد برون‌زا و وابسته تبدیل گردید. ویژگی‌هایی مانند رونق تولید مواد خام، زوال صنایع دستی و رونق کالاهای فرنگی، افزایش حجم تجاری به چندین برابر، ایجاد سیستم سیاسی وابسته و ایفای نقش انگلستان به‌عنوان محور اقتصاد سرمایه‌داری در قرن نوزدهم، از مشخصات جدید اقتصاد وابسته ایران بودند. مجموع این عوامل نقش مهمی در تجاری کردن تریاک در اقتصاد ایران ایفا کردند. در زیر هریک از این عوامل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. رونق تولید مواد خام

مهم‌ترین دگرگونی در اقتصاد سنتی، تولید مواد خامی بود که هم بازار جهانی به آنها نیاز داشت و هم موجب فراهم آوردن منابع مالی لازم برای خرید فرآورده‌های صنعتی از بازارهای جهانی می‌گردید. تا قبل از این واقعه اقتصاد ایران یک اقتصاد سنتی بود که یکی از مشخصات آن خودکفایی در بخش‌های مختلف بود. بدین معنی که یک تعادل نسبی در بخش‌های مختلف وجود داشت. اگر ابریشم یا پنبه‌ای در ایران تولید می‌شد، سهم قابل توجهی از آن در ساخت منسوجات داخلی به کار گرفته می‌شد. اما با تسلط اقتصاد سرمایه‌داری میزان تولید پنبه و یا مواد خام دیگر بستگی به نیاز بازار جهانی و سیاست‌های کشورهای استعماری داشت. میزان محصولات تجاری چندین برابر شد و یک دگرگونی در ساختار اقتصادی رخ داد که برخی از نظریه‌پردازان وابستگی مثل سمیر امین^۱ آن را به خوبی تشریح کرده‌اند. او ساختار اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته را بعد از تسلط سرمایه‌داری دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

۱. نابرابری بهره‌وری تولید میان بخش‌های مختلف یا به بیانی دیگر نابرابری

سطوح برابری

۲. از هم گسسته بودن نظام اقتصاد ملی یا به بیان دیگر از هم گسیختگی اقتصاد

۳. سلطه نیروی خارجی (Diana hunt, 1989; 200-201).

نشانه‌هایی که سمیر امین بیان می‌کند در اقتصاد ایران بعد از سال ۱۸۵۰ به چشم می‌خورد. از یک سو شاهد زوال یکی از بخش‌های اقتصاد شهری ایران که همان اقتصاد پیشه‌وری است، می‌باشیم و از سوی دیگر کالاهایی تولید می‌شود که ضرورت داخلی و منافع داخلی در تولید آن‌ها اولویت ندارد بلکه نیاز بازار جهانی و خواست کشورهای سرمایه‌داری تعیین‌کننده نوع کالاهای تولیدی می‌باشد. اقتصاد ملی تحت سایه بازار جهانی است و بخش‌های مختلف آن به جای ارتباط‌گیری درونی به سوی یک ارتباط بیرونی سوق پیدا می‌کنند. این مسئله در تولید پنبه به خوبی مشهود است. در فاصله بین سال‌های ۱۸۶۰-۱۸۶۴ که آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده پنبه درگیر جنگ داخلی بود، تولید

1. Samir amin

پنبه در بازار جهانی کاهش چشمگیری یافت و به تبع آن در ایران افزایش یافت اما با پایان یافتن این جنگ‌ها تولید پنبه ایران بلافاصله تقلیل پیدا کرد. دالمانی با تأیید این مسئله می‌نویسد: «سابقاً تریاک فقط در یزد زراعت می‌شد. از موقعی که در آمریکا برای منع برده‌فروشی جنگی بروز کرد (۱۸۶۵-۱۸۶۱م) و محصول پنبه آنجا تقلیل یافت و پنبه بهائی پیدا کرد، ایرانیان به جای تریاک، کشت پنبه را توسعه دادند اما پس از آنکه جنگ خاتمه یافت و دوباره پنبه آمریکا به بازارها ریخت و از بهای آن کاسته شد مجدداً به کشت تریاک مشغول شدند و فقط در قسمت‌هایی که تریاک به عمل نمی‌آید به زراعت گندم و جو ادامه دادند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۳).

۲. رونق کالاهای فرنگی و زوال صنایع دستی

تا پیش از رونق کالاهای فرنگی در نیمه اول قرن نوزدهم، صنایع دستی داخلی جوابگوی تمام نیازهای مردم ایران بود و حتی مقداری از آن صادر می‌شد. لیکن این روند به تدریج تغییر کرد، به طوری که اعتراض به ورود بی‌رویه منسوجات خارجی در دوران ناصری و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر اوج گرفت. از جمله این اعتراض‌ها، طوماری است که ۵۳ نفر از تجار تبریز خطاب به امیر کبیر نوشتند با این مضمون که «پارچه‌های فرنگی که به ایران وارد می‌شود یک شاهی نمی‌ارزد و مایه بدبختی تجار گشته» است. به هر روی، با تمهیدات گمرکی امیر کبیر در سال (۱۲۶۷ه.ق/ ۱۸۵۰م) این واردات به نصف کاهش یافت (آدمیت، ۱۳۵۵: ۴۱۵-۴۱۳). ولی به نظر می‌رسد این اقدامات امیر کبیر مانند سایر کارهای او بعد از قتلش پیگیری نشد.

از یک طرف ما شاهد افزایش ورود کالاهای صنعتی به کشور هستیم و از سوی دیگر به دلیل وضع تعرفه‌های گمرکی نامناسب، قدرت رقابت از منسوجات داخلی گرفته شده است؛ هر چند نباید تنوع و کمیّت و کیفیت بعضی از اجناس خارجی را در مقایسه با مصنوعات داخلی، که تنوع و قدرت رقابت‌پذیری کم‌تری داشتند، نادیده گرفت. همه این شرایط باعث شد که صنایع ایران در بازار داخلی از بین برود. فلانندن درباره اضمحلال صنایع دستی کاشان می‌نویسد: «واردات انگلیسی، که پیوسته از سی سال پیش در ایران رو

به تریاک گذاشته بود، روزبه‌روز از تعداد کارخانه‌های کاشان می‌کاست. با این‌که هنوز کارخانه‌هایش دایر است ولی انسان از تماشای قسمت‌های عمده آن که بایر و بیکار افتاده، سخت مغموم می‌شود. باعث حسرت است که شهری در زمان صفویه اولین شهر صنعتی باشد و امروز به چنین وضعی درآید» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵).

ظرفیت مضمحل‌شده در بخش صنایع باید توسط بخش‌های دیگر پاسخ داده می‌شد. یکی از این قسمت‌ها که می‌توانست جایگزین بخش صنایع در صادرات شود، معادن بود. اما این بخش به دلیل وضعیت زیرساخت‌ها، سرمایه‌بر بودن، بی‌میل بودن دول استعماری به سرمایه‌گذاری در این بخش و عدم امکان دولت ایران برای بهره‌برداری از آن نمی‌توانست جایگزین آن شود. به عبارت دیگر، تا زمانی که مواد کانی نقش چندانی در مبادلات بازرگانی جهانی نداشته باشند تنها مواد خام کشاورزی و تا حدودی طلا نقش اساسی را در تأمین احتیاجات سرمایه و ارز به عهده می‌گیرند (صدرالاشرفی، ۱۳۶۸: ۱۲۱)

تنها بخش کشاورزی می‌ماند که می‌توانست این ظرفیت را پر کند (Seyf, commercialization of agriculture production and trade of opium in persia, 1850-1906). تا قبل از بیماری کرم ابریشم در (۱۸۶۴ م / ۱۲۸۱ ه.ق.)، این ماده خام تا حدی این نیاز را برطرف کرده بود. همچنین پنبه در حدود چهار سال و بین سال‌های ۱۸۶۰-۱۸۶۴ که بازار جهانی به دلیل جنگ‌های داخلی آمریکا نیاز شدیدی به این ماده داشت، بخش کوچکی از واردات مصنوعات را جابگو بود. بیماری کرم ابریشم در سال (۱۸۶۴ / ۱۲۸۱ ه.ق.)، کشاورزی ایران را از یک طرف و بخش صادرات را از طرف دیگر با یک چالش جدی مواجه کرد. در این شرایط، با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به بازار جهانی، می‌بایست کالایی تولید می‌شد که در بازار جهانی تقاضایی داشته باشد. تریاک بهترین جایگزین بود. چون هم بازار جهانی آن رونق فراوانی داشت و هم با توجه به وضعیت داخلی ایران امکان تولید آن نسبت به سایر محصولات کشاورزی فراهم‌تر بود. رونق کاشت تریاک در ایران ارتباط مستقیم با زوال بخش صنعت داشت، چرا که زوال صنایع دستی، بیشترین فشار را بر بخش کشاورزی آورد. بخش کشاورزی علاوه بر سرریز شدن کارگران بخش صنعت به آن، می‌بایست ظرفیت اقتصادی آن در بخش اقتصاد داخلی و صادرات را نیز جبران می‌کرد.

۳. سلطه انگلستان بر اقتصاد ایران به عنوان محور اقتصاد سرمایه‌داری

سومین مشخصه وابستگی اقتصادی ایران که به نوعی بخشی از عوامل دیگر هم تحت تأثیر آن بود، تسلط صاحبان اقتصاد سرمایه‌داری بر کشورهای عقب‌مانده‌تر بود. انگلستان به عنوان محور اقتصاد سرمایه‌داری و سیاست استراتژیک آن در مسئله شرق، به ایران نگاهی ویژه داشت. نگاه انگلستان به ایران در ابتدای قرن نوزدهم با توجه به نقش آفرینی و ماجراجویی فرانسه و روسیه درباره مسئله هند، بیشتر حول محور سیاسی می‌چرخید. بعد از سقوط ناپلئون و تثبیت جایگاه این کشور در سطح دنیا، انگلیسی‌ها نیم‌نگاهی به منافع اقتصادی خود در ایران پیدا کردند و با توجه به وضعیت نیمه‌استعماری ایران، که حاصل رقابت این کشور و روسیه بود، به امتیازگیری‌های سیاسی و اقتصادی در ایران پرداختند. درباره مسئله تریاک انگلیسی‌ها با توجه به نقش منفعلانه روس‌ها، به طور یک‌جانبه به ایفای نقش پرداختند و این کار را از دو طریق انجام دادند: ۱- شرکت‌های خارجی که در ایران بودند و بیشتر آنها نماینده و یا تحت‌الحمایه دولت انگلیس بودند. ۲- از طریق تجار ایرانی که خود را نماینده و یا تابع/تبعه دولت انگلیس قرار داده بودند.

آندره گوندر فرانک^۱ از نظریه‌پردازان مکتب وابستگی این رابطه را به خوبی تبیین کرده است. او نظام سرمایه‌داری جهانی را به صورت سلسله مراتب یا ساختار هرم گونه‌ای تصور می‌کند که در پایه آن، مناطق روستایی پیرامون قرار دارند. این مناطق اقماری از طریق تجارت با مراکز کوچک انباشت مازاد، که برای آنها متروپل‌های محلی محسوب می‌شوند، ارتباط برقرار می‌کنند. اینها نیز اقمار محسوب می‌شوند زیرا از طریق تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی، مازادشان توسط متروپل‌های بزرگ‌تر (شهرهای منطقه‌ای) غارت می‌شوند، این شهرها هم به شکل اقمار متروپل‌های کوچک‌تر در اقتصاد ملی درمی‌آیند؛ متروپل‌هایی که بندرت اصلی یا پایتخت هستند. فرانک نه تنها اظهار می‌دارد که سرمایه تجاری به قسمت پایه هرم نزدیک شده است بلکه معتقد است که این روابط مبادلاتی همگی جنبه انحصاری دارند. در هر سطحی، غارت مازاد توسط تجار انحصارگر، که ارزان می‌خرند و گران می‌فروشند، به اوج خود می‌رسد. گرچه در مورد فروش،

1. A.G. frank

همواره امکان کاهش قیمت محصولات وارداتی - در صورتی که تضعیف تولیدکنندگان محلی مدنظر باشد- وجود دارد (بروف، ۱۳۶۹: ۷۵).

این تئوری فرانک به خوبی درباره رابطه بین دولت انگلیس، شرکت‌های خارجی، تجار و دهقانان ایرانی صدق می‌کند. تجار و شرکت‌های خارجی حلقه‌ی رابط بین استعمار سرمایه‌داری و قاعده هرم، که دهقانان تریاک کار هستند، می‌باشند و با تشویق این افراد به تولید بیشتر هم روزبه‌روز سیطره خود را محکم می‌کنند و هم سود خود را به چندین برابر می‌رسانند. در گزارشی از کنسولگری بریتانیا، که در دهه (۱۸۴۰م/۱۲۵۶ه.ق) به کمپانی هند شرقی فرستاده شده، آمده است که خاک و آب و هوای مرکز و جنوب ایران برای کشت موادی مانند تریاک به خوبی سازگار می‌باشد و توصیه نموده است که دولت ایران به تولید آنها تشویق گردد (اوکازاکی، ۱۳۶۵: ۳۶). حتی انگلیس‌ها برای تضمین سود خود، به طور مستقیم بر کاشت تریاک نظارت می‌کردند (فوروکاو، بی تا: ۱۰۰).

نقش تجار ایرانی و بازرگانان خارجی

سیاست‌های اقتصادی نادرست قاجارها، علاوه بر این که از رشد بورژوازی ملی جلوگیری کرد، باعث شد تجار ایرانی که یکی از ارکان این بورژوازی بودند، به نوعی برای حفظ منافع خود به کشورهای خارجی و به خصوص روس و انگلیس روی آورند. این راهبرد نادرست باعث شد که بورژوازی ملی به یک بورژوازی وابسته تبدیل شود و کارکرد و عملکرد آن هم برعکس و در خدمت منافع غیرملی قرار بگیرد. این مسئله در گزارش میرزا تقی خان حکیم‌باشی به خوبی مشهود است: «لیکن اگر تجار ما متاعی وارد می‌کنند در بندر یک دفعه گمرک می‌دهند، در شیراز یک گمرک دیگر، در اصفهان و سایر بلاد باز گمرک دیگر می‌دهند، در عرض راه‌ها چند بار راهداری می‌دهند. لهذا گمرک تجار رعایای داخله ما چند برابر زیاده از گمرک کمپانی‌های خارجه می‌شود. پس تجار ما به واسطه این ضرر ناچارند که با خارجه معامله نمایند تا آنکه کمپانی‌ها و رعایای خارجه مال التجاره آورده از آنها بخرند، به این واسطه هم تجار ما از حیز انتفاع افتاده باب معاملاتشان مسدود شده و هم کمپانی‌های خارجی در بلاد ما زیاد شده و می‌شود و هم

رعایای ما ناچار می‌شوند که برای دفع این ضرر خود را رعیت خارجه کنند» (صفایی، ۱۳۴۹: ۱۰۸-۱۰۷).

در این مقطع تولید تریاک از جمله کالاهایی بود که مورد توجه انگلیسی‌ها و تجار ایرانی بود. تولید این ماده هم می‌توانست بازگشت هزینه‌های واردات کالاهای انگلیسی را تضمین بکند و هم سود تجار زمیندار را، که یک پدیده نو در تاریخ ایران بودند. برخی از این تجار عبارت‌اند از حاج عبدالرحیم تاجر شیرازی و مدیر کمپانی تجاری فارس که نمایندگی شرکت مویرو تویدی را داشت، حاج میرزا محمود کازرونی بزرگ‌ترین تاجر شیراز که عامل شرکت دیوید ساسون بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار تریاک ایران بود و یا میرزا محمدصادق دهدشتی که عامل شرکت‌های زیگلر و گری پل بود. حاجی غلام محمد صدر ملک‌التجار اصفهانی که ثروتمندترین و مقتدرترین تاجر اصفهان شریک و عامل شرکت دیوید ساسون بود و حاجی علی‌اکبری یزدی مشهدی که نمایندگی شرکت‌های زیگلر و هانس را داشت (رواسانی، بی‌تا، ۳۸). همچنین می‌توان به عالیجاهان خواجه یوسف هراپط و اراطون شرکاء تاجران مسیحی تبعه دولت بهیه قیصریه مقیم بندر بوشهر اشاره کرد (فراهانی، ۱۳۶۲: ۱۵۲).

این تجار که هم زمیندار و هم نماینده‌های شرکت‌های تجاری انگلیس بودند، سود خود را در همکاری با شرکت‌های انگلیسی برای رساندن محصولات خود به بازار جهانی می‌دانستند. از این رو آنان یکی از ارکان سیاست‌گذاری‌های اقتصادی انگلستان در ایران بودند و نقش غیرقابل انکاری در رواج کاشت تریاک داشتند.

یکی دیگر از راه‌های نفوذ کشورهای استعماری استفاده از شرکت‌های تجاری و سرمایه‌گذار بود. دنیس رایت درباره حمایت انگلیسی‌ها از تجار و شرکت‌های تحت نفوذشان می‌نویسد: «در کشوری که هیچ قانون تجارتی برای تأدیه دیون و سایر خسارات از قبیل غارت کاروان‌ها در شاهراه‌ها وجود نداشت، تنها راه، مراجعه مستقیم به مقامات ایران و ضبط برخی از اموال بدهکار بود. دانستن اینکه وزیرمختار یا کنسول انگلیس پشت سر صاحب طلب ایستاده است کمک بی‌ظنیری برای حل و فصل دعوایی بود که گاه می‌توانست سال‌ها به طول انجامد» (رایت، ۱۳۵۷: ۹۸-۹۷). ویلسن درباره دخالت

شرکت‌های انگلیسی در روند تولید تریاک در ایران می‌نویسد: «سابق بر این، ندرتاً تریاک خالص در بازار به فروش می‌رسید زیرا که در وقت حمل تریاک و انتقال آن از یک نفر به نفر دیگر در تریاک اشیاء دیگری مخلوط می‌نمودند و تقلب کاری در آن می‌شد. به ملاحظات همین تقلبات، تریاک ایران در بازار انگلستان بدنام شده و معروف به تریاک غیرخالص بود. ولی یکی از کارخانه‌های معروف انگلیس گماشته‌ای در اصفهان فرستاده و مشارالیه پس از زحمات بسیار ایرانیان را متقاعد نمود که صداقت بهترین کار است و آخرالامر مساعی آن شخص به جایی منتهی گردید که از آن به بعد تریاک خالص به عمل می‌آوردند. بنابراین تداعی و مساعی صاحب آن کارخانه شهرت مخصوصی حاصل کرد و تریاک آنجا به سهولت و با قاعده به فروش می‌رسید» (ویلس، ۱۳۶۶: ۳۲۳). در سندی که قرارداد بین دولت ایران و انگلیس است، انگلیسی‌ها این امتیاز را به دست می‌آورند که برای تجارت تریاک به تأسیس کارخانجات در ایران بپردازند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه ۱۳۱۲ه.ق، کارت‌ن ۲۴، پرونده ۳، ۳). همچنین در کتاب آبی آمده است که شرکت‌های انگلیسی در فاصله سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۸۸۰ صدور تریاک از ایران را هشت برابر کردند (Blue Report by mr. Baring on trade and cultivation of opium in Persian commerce. No 3, 1882, p.61). شرکت‌های مذکور فعالیت اصلی خود را بر مبنای ورود مصنوعات ساخت اروپا به ایران گذاشته و به ازای کالاهای وارداتی خود اقدام به صدور ابریشم، مسکوکات، تریاک و پنبه خام می‌نمودند.

این شرکت‌ها بازار بین‌المللی را به خوبی می‌شناختند و سیاست‌های اقتصادی خود را در کشورهایی مانند ایران برطبق آن تعیین می‌کردند. این مسئله درباره تریاک به خوبی مشهود بود؛ یعنی در فاصله بین سال‌های (۱۸۶۴-۱۸۶۰م/۱۲۷۶-۱۲۸۱ه.ق) که جنگ‌های داخلی آمریکا به شدت ادامه داشت کشاورزان ایرانی را تشویق به کاشت پنبه کردند و با پایان یافتن این جنگ‌ها کاشت تریاک را ترغیب نمودند. این مسئله هم ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی را می‌رساند و هم درجه نفوذ این شرکت‌ها را نشان می‌دهد.

فعالیت کمپانی دیوید ساسون در آغاز واردات منسوجات انگلیسی به ایران و صادرات کالاهای ایران به بمبئی و فروش آن به تجار انگلیسی برای انتقال به اروپا بود. این شرکت

به شدت تحت حمایت بریتانیا بود و در اختلافی که بین پنهاس و کیل کمپانی ساسون و تجار ایرانی روی داد با تمام وجود از آن حمایت کرد و تصمیم گرفت آن را به بصره اعزام کند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۲ه.ق.: کارتن ۱۵، پرونده ۱۴، ۱۶۴). دیوید ساسون می‌توانست در این زمینه با کمپانی‌های اروپایی رقابت کند، زیرا از کشورهایی که با آن‌ها تجارت می‌کرد شناخت دست اول داشت، با اوضاع محلی آشنا بود، با زبان‌های مختلف محلی، از جمله فارسی تکلم می‌کرد و دارای طرفین تجاری قابل اعتماد، به‌ویژه یهودیان، در همه مراکز بومی بود. از این رو «تجارتخانه ساسون» به سرعت گسترش یافت تا بدانجا که در مدت کوتاهی به بزرگ‌ترین مؤسسه هندی فعال در تجارت منطقه خلیج فارس بدل شد و بخش مهمی از تجارت هند غربی با ایران و بین‌النهرین را به دست گرفت (شهبازی، بی تا: ۱۲). عامل اصلی شرکت دیوید ساسون در ایالت فارس و جنوب ایران، حاج میرزا محمود کازرونی و حاج آقا محمد صدر ملک‌التجار اصفهانی بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۸۱۶). همچنین حاج میرزا علی تاجر شیرازی و حاج میرزا حسنعلی تاجر شیرازی، دو دایی دیگر باب، نیز چون برادر ارشد، حاج میرزا محمد تاجر شیرازی، در کار تجارت بوشهر بودند. این سه برادر یک واحد تجاری شناخته می‌شدند و بخشی از شبکه منسجمی بودند که در دهه ۱۸۳۰ در بوشهر به طور عمده به واردات کالا و قماش انگلیسی از بمبئی اشتغال داشتند و از زمان میرزا حسین خان سپهسالار و آغاز کشت تریاک در ایران به عنوان کارگزاران کمپانی ساسون و جیجی بهای به صادرکنندگان تریاک بدل شدند (نگاه کنید به شهبازی، عبدالله، خاندان بابا و تجارت جهانی تریاک).

این تجار که خود را نماینده شرکت دیوید ساسون قرار داده بودند، وظیفه اصلی‌شان جمع‌آوری تریاک برای شرکت ساسون بود. حوزه اصلی فعالیت این شرکت در جنوب ایران بود و در شهرهایی مثل بوشهر، فارس و اصفهان نمایندگی داشت. ساسون محصول برآورده‌شده تریاک کشاورزان را که می‌بایست در سال آینده به دست آید پیش‌خرید (سلف‌خری) می‌کرد. وی همچنین پول زیادی هم از توانگران ایرانی وام گرفت و آن را در کار پیش‌خرید تریاک و قرض دادن به تریاک‌کاران هزینه کرد (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۵۰). همه شواهد حاکی از این است که این شرکت هم از طریق ارتباط‌گیری با دولت انگلیس و

هم تجار و بدنه دولت قاجارها نقش بارزی در روند افزایش کاشت خشخاش داشته است. شرکت با استفاده کامل از بازار آشفته تریاک در هنگامه درگیری ایران و انگلیس در سال (۱۸۳۷م/۱۲۵۶ه.ق.)، با استقراض مبالغ هنگفتی پول به سلف خری تریاک، پیش از موسم برداشت آن، به قیمت نازل پرداخت و با پایان منازعه دو دولت (که باب تجارت را بسته بود) و بازگشت قیمت تریاک به وضع عادی، سود هنگفتی برد (هاشی نوتایی، ۱۸۹۴: ۲۳-۲۲).

شرکت گری پل از معروف ترین شرکت های حمل و نقل دریایی بود که نمایندگی کشتی رانی تجاری هند را برعهده داشت و کالاهای هجوم آورده به بازار ایران را از انگلستان به دماغه امید نیک و از آنجا به خلیج فارس حمل می کرد. کمپانی در بوشهر و بنادر دیگر خلیج فارس نمایندگی داشت. شرکت یادشده که در نواحی جنوب غربی ایران نیز شعبی دایر کرده بود، در حدود سال (۱۸۲۶م/۱۲۴۱ه.ق) در بوشهر تأسیس شده بود. این شرکت اقلام مهمی مانند قالی، چرم، پشم، گندم، تریاک و سایر محصولات را به هندوستان حمل می کرد و چای و قند و زیگ و قماش از هند و اروپا به ایران می آورد (دهقان نژاد، ۱۳۷۹: ۳۰۲).

علاوه بر شرکت های ذکر شده می توان به شرکت های مهم دیگری هم اشاره کرد. تجارتخانه ملکم که شعبی در جنوب ایران داشت، از صادرکنندگان اصلی تریاک ایران بود. از دیگر کمپانی های مهم می توان به دیکسن، سایکسن، فوربس، هودز و برادر شومان اشاره کرد که معمولاً شعبی در لندن و ایران داشتند (رواسانی، بی تا: ۳۷). دخالت این تعداد شرکت در تجارت تریاک حاکی از اهمیت تریاک ایران و رونق و رواج آن می باشد.

عوامل مؤثر بر افزایش تولید تریاک

بعد از تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد وابسته ایران در نیمه قرن نوزدهم، عواملی روند تولید تریاک را تسریع و تشدید کردند. این دسته از عوامل تعیین کننده نبودند و تنها تحت تأثیر روند وابستگی اقتصادی ایران، به کاشت خشخاش سرعت بخشیدند. همه این عوامل نیز در درون جامعه ایران ریشه داشتند. بیماری کرم ابریشم، تراز تجاری منفی، خواص ذاتی تریاک و نقش دولت مهم ترین عوامل بودند.

۱- بیماری کرم ابریشم

ابریشم از جمله محصولات کشاورزی است که از قرون اولیه تاریخ ایران در دوره اسلامی و به خصوص در دوره صفویه نقش مهمی در اقتصاد ایران داشته است. اولئاریوس مقدار سالانه ابریشم ایران را در عصر صفوی بیست هزار بقچه^۱ دانسته که حدود ۷۲۰۰ خروار بود (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۲۸۰). شاردن، جهانگرد معروف فرانسوی، محصول ابریشم ایران را در سال (۱۶۷۰م/۱۰۸۱ق) حدود (۶۳۳/۰۰۰ من ۱۹۰۰۰۰۰ کیلوگرم) نوشته است که مقدار ۴۲۳۰۰۰ من آن در گیلان به عمل آمده بود (شاردن، ۱۳۶۳: ۳۶۹). در سال (۱۷۴۴م/۱۱۵۷ق) براساس گزارش هانوی، مدیر تجارت ابریشم آن زمان، مقدار محصول ابریشم گیلان شامل ۲۳۵/۳۶ من می شد که به دلیل تقاضای زیاد، قیمت آن افزایش یافته بود (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۲۵-۲۴). گرچه تولید ابریشم در قرن هیجدهم سیر نزولی را نشان می داد اما باز هم مهم ترین محصول صادراتی ایران بود. در نیمه اول قرن نوزدهم ابریشم ایران دوباره به وضعیت سابق بازگشت و رشد چند برابری نسبت به قرن هیجدهم را تجربه کرد. تولید ابریشم در نیمه اول قرن نوزدهم رشد شایان توجهی داشت و در سال (۱۸۴۰ / ۱۲۵۶ق) مقدار محصول ابریشم گیلان پنج ششم کل محصول ایران ۱۰۰۰۰۰۰ پوند بود که ارزش آن نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ لیره تخمین زده شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۵۵). در سال (۱۸۵۰م/۱۲۶۷ق) کل محصول ابریشم ایران حدود ۳۴۰۰۰۰ من بود که مقدار ۲۰۲۴۰۰ من آن جزو صادرات بوده است (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۲۵). در سال (۱۸۶۴م/۱۲۴۱ق) میزان ابریشم ایران حدود ۲۱۹۰۰۰۰ پوند برآورد شده که ارزش تقریبی آن ۱۰۰۰۰۰ لیره بوده است. از عوامل اصلی رشد ابریشم، روس ها بودند که شمال ایران را بازار مطمئنی برای تهیه ابریشم مورد نیاز کارخانجات خود یافته بودند. در سال (۱۸۳۶م/۱۲۵۲ق) در روسیه سالیانه بالغ بر ۲۴۰۰۰۰۰۰ فرانک ابریشم جات تهیه می شود که تقریباً قسمت اعظم آن در خود روسیه استعمال می شد. برای تهیه پارچه های ابریشمی دولت روسیه از ابریشم گرجستان و گیلان و ایتالیا استفاده می نماید (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۲۶۴).

۱. هر بقچه ۲۱۶ لیور، هر لیور معادل نیم کیلو وزن داشت. هر عدل (لنگه) ۲۷۶ لیور و معادل ۱۳۸ کیلوگرم بود.

از عوامل مهم دیگر رشد تولید ابریشم، فعالیت شرکت‌های مختلف یونانی نظیر برادران رالی و پاسکالی و ورود تخم نوغان از خارج به ویژه عثمانی بود (عیوسی، ۱۳۶۲: ۳۵۶-۳۵۵). برای یک دوره نسبتاً طولانی ابریشم خام عمده‌ترین فرآورده صادراتی ایران بود و در حدود ۳۱ تا ۳۸ درصد کل صادرات را تشکیل می‌داد (فوران، ۱۳۷۱: ۹۸). این روند صعودی تولید ابریشم در سال (۱۸۶۴م/۱۲۸۱ه.ق) با بیماری کرم ابریشم به پایان رسید (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۳-۸۲). سیف معتقد است اگر سال (۱۸۶۴م/۱۲۸۱ه.ق) را به عنوان سال پایه در نظر بگیریم، گیلان تا پایان سال (۱۸۶۶م/۱۲۸۳ه.ق) شاهد کاهش ۷۶ درصدی در مقدار تولید و ۷۲ کاهش درصدی در درآمدهای حاصل از تولید ابریشم بود (سیف، ۱۳۷۳: ۱۲۶). اگر همان رقم ۳۱ درصد فوران را در مورد سهم ابریشم در صادرات ایران بپذیریم، این رقم صادرات ایران را دچار افت شدید کرده بود. در شرایطی که اقتصاد ایران به شدت در بازار جهانی ادغام شده و دچار کمبود نقدینگی و تراز تجاری منفی هم بود، بهترین کالایی که در این شرایط می‌توانست جایگزین ابریشم شود کالایی بود که در بازار جهانی رونق داشت و هم می‌توانست برای اقتصاد ایران نقدینگی بیاورد. نقل و قول زیر که از یک گزارش کنسولی به دست آمده است به وضوح ابعاد مشکل کمبود نقدینگی را نشان می‌دهد: «کمبود نه، می‌توانم بگویم فقدان پول در این ایالت (آذربایجان) اوضاع را وخیم‌تر کرده است. جماعت درگیر تجار از این بابت لطمه بدی خورده‌اند» (همان، ۲۱۰). به نظر می‌رسد در چنین موقعیتی تریاک با توجه به رونق بازار جهانی آن و قدرت نقدینگی آفرین این کالا بهترین جایگزین برای ابریشم بوده است. هم‌زمان با کاهش تولید ابریشم در شمال شاهد افزایش صادرات تریاک از جنوب کشور هستیم که این مسئله به خوبی جایگزینی ابریشم با تریاک را به اثبات می‌رساند. حتی در شمال ایران با توجه به ناسازگاری آب و هوا با کشت تریاک، در برخی از مناطق به طور محدود خشخاش کشت می‌شد؛ نوعی بسیار قوی که به رنگ قهوه‌ای تیره است و از منطقه ساری و بارفروش در مازندران به دست می‌آید (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۳۴)

این نکته هم باید مورد تأکید قرار گیرد که منطقه تولید ابریشم در شمال و منطقه تولید تریاک در جنوب و مرکز ایران بود. این جایگزینی به معنای کاشت تریاک در مناطق

شمالی کشور نیست، بلکه در مناطق شمالی محصولاتی مانند برنج و پنبه جایگزین ابریشم شد و در مناطق جنوبی توتستان‌ها با کاشت تریاک جایگزین شدند. به عنوان مثال تجاری شدن کشاورزی باعث شد بسیاری توتستان‌های مرکزی و جنوبی از بین برود و جای آن را کشت خشخاش بگیرد (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۹). با تنزل رتبه ابریشم در صادرات، کاشت خشخاش در مناطق جنوبی چندین برابر شد و تا حدودی توانست نقش ابریشم در صادرات را برعهده بگیرد.

۲- خواص ذاتی تریاک

تریاک دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از سایر اقلام کشاورزی متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها باعث شده بود که این ماده خام در دوره قاجاریه در کانون توجه بیشتری قرار گیرد. از خواص ذاتی تریاک، که آن را نسبت به سایر محصولات کشاورزی متمایز می‌سازد، ماندگاری آن می‌باشد. در کشوری مانند ایران که تمام راه‌ها مالرو و خاکی بود، کاروان‌های تجاری مدت زیادی در راه‌ها بودند و مسیر بوشهر تا اصفهان، که راه ترانزیتی تریاک بود، در ۳۰ تا ۳۵ روز طی می‌شد (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۸۲). در چنین شرایطی محصولی مانند تریاک در مقایسه با حبوبات و برنج و سایر محصولات کشاورزی فاسدشدنی، اطمینان بیشتری برای ماندن دارد.

خوش‌بار بودن از ویژگی‌های منحصر به فرد تریاک است. بدین معنی که حمل یک کیلو تریاک در مقایسه با یک کیلو گندم و یا پنبه راحت‌تر انجام می‌پذیرد. همچنین با توجه به فشردگی محصول تریاک، فضای کمتری را اشغال می‌کند که این مسئله بسیار مهم است. علاوه بر این، حمل تریاک در اوزان بسیار کم غیرقابل مقایسه با هر محصول دیگری به لحاظ ارزش می‌باشد. یعنی اگر تریاک در مقادیر پایین هم حمل می‌شد ارزش فروانی داشت که می‌توانست سود خوبی نصیب فروشندگان آن کند. اما سایر محصولات مانند پنبه، جو، حبوبات در مقادیر پایین به صرفه نبود. این مسئله با توجه به فقدان راه آهن و وسایل حمل بار مجهز در ایران، بسیار حائز اهمیت بود. گیاه خشخاش در هر خاکی که خشک باشد به آسانی کشت می‌شود و در کشوری بدون راه آهن و جاده، به آسانی

می توان آن را بر پشت چارپایان و حتی انسان حمل کرد. علاوه بر آن، بازرگانان برای فروش این محصول بازارهایی در چین و اروپا داشتند (مهدوی، ۱۳۷۹: ۱۳۸).

معمولاً خشخاش را در آغاز فصل پاییز می کارند و برداشت محصول آن هم در اردیبهشت و خرداد صورت می گیرد. در این مقطع زمانی، معمولاً سایر محصولات کشاورزی به آب کمتری نیاز دارند و زمانی که آبیاری محصولات کشاورزی فرا می رسد، تریاک دیگر نیازی به آب ندارد (تحویلدار، ۱۳۵۴: ۵۵-۵۴). این مسئله در کشور کم آبی مانند ایران مزیتی بزرگ به حساب می آید. کشت تریاک هیچ تأثیری بر آبیاری محصولات کشاورزی دیگر نداشته است.

یوشیدا درباره سودآوری تریاک به عنوان یکی از ویژگی های آن می نویسد: فرآورده های ایران، قالی و بافته های پشمی، پوست بره، شراب، خرما، گیاهی که در رنگرزی به کار می رود به نام روناس، پنبه، ساخته های قلم زنی و پارچه قلمکار می باشد. اما چیزی که بازرگانان اروپایی زیاد برایش پول می دهند افیون است (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۴۹). کمی پس از آن (۱۸۷۳م/ ۱۲۹۰ه.ق) کنسول بوشهر گزارش داد که «سود حاصله از تریاک توجه ایرانیان را جلب کرد و تقریباً تمام اراضی موجود و مناسب در یزد، اصفهان و جاهای دیگر به کشت خشخاش اختصاص یافت و کشت غلات و سایر محصولات پشت گوش انداخته شد» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۶۷). بنا به نوشته ارنست هولستر: «سی سال پیش در اصفهان تریاک بسیار کم کشت می شد. فقط عده معدودی از مردم آن را مصرف می کردند ولی بعدها دو تاجر بزرگ، که مدتی در هندوستان به سر برده بودند، به صدور مقدار کمی تریاک خام و خالص پرداختند. اینان خوب سود بردند و تدریجاً در عرض چند سال تجارت تریاک روغن زده به چین و تریاک خالص به اروپا را افزایش دادند (هولستر، ۱۳۵۵: ۳۴).

بازار جهانی تریاک، که بسیار وسیع بود، باعث شده بود که فروش این محصول سود بسیاری داشته باشد. این سودآوری تا بدانجا رسیده بود که حتی بعضی تجار با روی آوردن به زمین داری، به کاشت و تولید این محصول برای بازار جهانی پرداختند. از جمله این تجار می توان به حاج محمدحسن اصفهانی (مهدوی، ۱۳۷۹: ۱۳۸) و نمازی (فسایی، ۱۳۶۷، ج ۱:

۱۱۳۲) اشاره کرد. این افراد بعد از به دست آوردن سود هنگفت از تریاک، با خرید زمین و کاشت این محصول، صادرات آن را به چندین برابر رساندند.

۳- نقش دولت

یکی از نکاتی که در اقتصاد سیاسی ایران در دوره قاجاریه باید به آن توجه ویژه داشت، نقش دولت به عنوان محور تحولات اقتصادی است. دولت کماکان موقعیت برجسته‌ای در اقتصاد داشت و بر زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیرات تعیین کننده‌ای می گذاشت. برای تفکر سیاسی ایرانی در این دوره، شاه در محدوده قلمرو خود حق نامحدود بهره‌برداری از منابع و درآمدها را داشت و جان و مال افراد در سرزمین تحت فرمانروایی او عملاً به دست او بود و فقط با اراده او در این باره تعیین تکلیف می شد (سیف، ۱۳۷۳: ۴۹). مسلم این است که اقتصاد سیاسی قاجارها از مرکز کنترل می شد و روند اقتصادی ایران تا حد زیادی از راهبرد و نگاه دولتمردان قاجار به اقتصاد متأثر می شد. این راهبرد دولت قاجاریه در بسیاری موارد در راستای منافع قدرت‌های دخیل در ایران مانند روس و انگلیس بود که وضعیتی نیمه‌استعماری برای ایران ایجاد کرده بودند. قاجارها در زمینه اقتصادی، مانند بسیاری دیگر از زمینه‌ها، کارنامه موفقی نداشتند. آنها به مسائل اقتصادی نگاه راهبردی نداشتند و نفع کوتاه مدت و منافع شخصی (و نه ملی) مدنظرشان بود. در مورد تریاک هم نگاه قاجارها با گفته مذکور منطبق است. برای دولت و زمینداران، یعنی صاحبان عامل اصلی تولید (زمین)، کشت فرآورده‌های نقدینه آفرین (تریاک) یعنی امکان بالقوه اخذ مالیات و رانت بیشتر، که هم قابلیت صدور دارد و از هم به آسانی نقدشدنی است، قابلیت صدور واردات کالاهای لوکس خارجی را امکان پذیر می ساخت و سهولت نقد شدن یا به صورت نقد بودن، طی بوروکراسی عریض و طویل و تا مغز استخوان فاسد را آسان تر کرد (همان: ۲۱۰).

قاجارها که کاشت تریاک را در راستای منافع خود می دیدند، در ترویج کاشت و تولید تریاک بسیار فعالانه ظاهر شدند. دولت در بدو امر، کشت و کار خشخاش را ممانعت می نمود، زیرا به جای در نظر گرفتن عایدی کلان آن نگران بود که موجب کاهش اراضی

غله خیز گردد و این موضوع نیز خطر گرانی نان و امکان بروز شورش و آشوب علیه حاکم محلی یا هر قدرت دیگری را فراهم می‌ساخت (دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۲). اندکی بعد کار تجارت این محصول دچار اختلال شد، چون بعضی از بازرگانان بی فکر به قدری مواد خارجی با شیره آن مخلوط کردند که پایه این تجارت نوزاد سخت متزلزل شد و در سال ۱۸۸۳-۱۸۸۲ خطر شکست کلی آن را پیش‌بینی می‌شد. خوشبختانه دولت قاجار در این روند دخالت نمود و با نظارت رسمی محصول آن ترقی بسیار کرد (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱: ۹۵). دخالت دولت در این گونه امور هرگز نباید به معنای تلاش قاجارها برای خدمت به کشاورزی یا اقتصاد ایران تلقی شود، چرا که هیچ گزارشی از تلاش قاجارها با اقداماتی از قبیل تعمیر قنات‌ها، ارتقاء تکنولوژی تولید و یا به طور کلی پرداختن به کارهای زیرساختی برای افزایش کاشت تریاک وجود ندارد. این گونه دخالت‌ها تنها در راستای همان نگاه منافع محور آنها قابل ارزیابی می‌باشد. سیاست‌های تشویقی قاجارها (نه سیاست‌های زیربنایی) درباره تریاک نسبت به سایر محصولات کشاورزی بسیار قابل توجه است و در مورد هیچ محصول دیگری بدین گونه رویکرد فعال قاجارها را شاهد نیستیم. با نزدیک شدن پایان قرن نوزدهم سهم ارباب از محصولات صادراتی پرارزش، بیشتر به شکل نقدی دریافت می‌شد. در این روش، پرداخت اجاره همچنان به شکل سهمی از محصول ممکن بود و در مورد چند محصول محدود، مانند ابریشم و تریاک اجاره ثابت دریافت می‌شد (فوران، ۱۳۷۱: ۱۰۵). به نظر می‌رسد اجاره ثابت در مورد ابریشم و تریاک، برای تشویق بیشتر کشت این محصول بوده است، زیرا در سیستم سهم‌بری متناسب با افزایش محصول، سهم مالک هم بیشتر می‌شود (همان: ۱۰۰). حتی گزارش شده است که در کازرون دولت برای کاشت تریاک از زمین‌ها مالیاتی نمی‌گرفته است تا افراد بیشتری برای کاشت تریاک تشویق شوند (سیف، ۱۳۸۷: ۴۹). علاوه بر این موارد، در گزارش‌های دیگری که از این دوره به جا مانده است شاهد تحمیل کاشت خشخاش از طرف دولتمردان قاجاری هستیم (فسایی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۸۷۴). در خیناباد (در ناحیه خف)، دهقانان مجبور به کاشت خشخاش شدند و به بهترین نحو به آن پرداختند، اگرچه آنان کاشت گندم را ترجیح می‌دادند. همچنین در خوانسار ظل‌السلطان کشت تریاک را اجباری کرده بود (floor, 2003; 438).

میرزا حسین خان سپهسالار نیز یکی از مروجان کاشت تریاک بود. وی زمانی که کنسول ایران در بمبئی بود، با گوشزد کردن سود بالای تریاک به دولتمردان قاجاری آنها را به گسترش کاشت خشخاش تشویق کرد (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۱). همچنین در سال ۱۸۷۱ که میرزا حسین خان در ایران به صدارت رسید، به یکباره تولید تریاک از ۸۷۰ صندوق به ۷۷۰۰ جعبه رسید (نگاه کنید به شهبازی، عبدالله، نهان‌پیشگان و سیاست در ایران امروز). ابوالقاسم طاهری در این باره به مانند شهبازی فکر می‌کند و می‌نویسد: «شرکت ساسون مهم‌ترین کمپانی تجاری در زمینه تجارت تریاک ایران بود. حال آیا می‌توان تلاش میرزا حسین خان سپهسالار و تأکید وی بر منافع صادراتی آن و حضور او در کنار ساسون‌ها را در بمبئی و نقش بعدی ساسون‌ها در صادرات تریاک به ایران و افزایش نهصد درصدی صادرات این محصول در دوران صدارت او را همگی اتفاقی دانست؟ این امر وقتی معنا دارتر می‌شود که بدانیم وی پس از مأموریت سه‌ساله به بمبئی با ثروتی بالغ بر ۱۵۰۰۰۰ روپیه - که آن زمان افسانه‌ای بود - به ایران بازگشت. آیا این پول توسط کمپانی ساسون و بابت دلالی کشت تریاک در ایران پرداخت نشده بود؟» (طاهری، بی‌تا: ۱۲۶).

از طرف دیگر، در اولین سال زراعی پس از صدارت او، کشت تریاک چنان توسعه یافت که در کنار عامل خشکسالی، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در رکود کشت غلات و سایر محصولات، موجب بروز قحطی وحشتناک در کشور گردید (نوری، ۱۳۸۳: ۵۳). با توجه به این شواهد به نظر می‌رسد می‌توان میرزا حسین خان را در کنار سایر عوامل دیگر به عنوان یکی از مشوقان کاشت تریاک به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

تحولات بین‌المللی در قرن نوزدهم ایران را به یکی از کانون‌های برخورد قدرت‌های دنیا تبدیل کرد. این مسئله که با تحولات مهم اقتصاد جهانی همچون صنعتی‌سازی و رشد چشمگیر در تولید و تجارت جهانی هم‌زمان شده بود، بستر تغییرات مهمی را در اقتصاد ایران فراهم کرد. اقتصاد ایران در این مقطع، که یک اقتصاد درون‌زا و معیشتی بود، در برابر اقتصاد پویا و نوظهور سرمایه‌داری و صاحبان قدرت‌های استعماری انسجام درونی خود را

از دست داد و به یک اقتصاد برونزا و نیمه معیشتی تبدیل شد. اقتصاد ایران در شکل جدید، شاخص‌های متفاوتی را تجربه کرد که هریک به تجاری شدن تریاک در اقتصاد ایران کمک کردند. ظرفیت‌های درونی اقتصادی ایران در بخش اقتصاد شهری که بیشتر صنایع دستی را شامل می‌شد، از بین رفت. از طرف دیگر با توجه به سیاست دروازه باز تجاری، که به ناچار با اجبار از سوی دول استعماری روس و انگلیس بر ایران تحمیل شده بود، حجم تجاری ایران چندین برابر شد. افزایش واردات کالاهای صنعتی و از بین رفتن ظرفیت صنعتی ایران، باعث شد بخش کشاورزی که تنها گزینه باقیمانده برای جبران این کسری روزافزون بود تغییر رویه دهد. یک چنین تغییری نه یک تغییر تاکتیکی بلکه یک تکلیف در راستای تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری بود که در بخش کشاورزی صورت گرفت. تا قبل از این تولیدات کشاورزی ایران به نوعی نیازهای اقتصادی ایران را به تناسب تأمین می‌کرد. با این تغییر روند اجباری کشاورزی ایران به سمت تولید کالاهای مورد نیازهای بازار جهانی پیش رفت.

انگلستان به عنوان محور اقتصاد جهانی و یکی از بازیگران فعال در ایران، نقش تعیین کننده در راهبرد اقتصاد ایران به ویژه در تولید تریاک داشت. بریتانیا از یک طرف برای تصاحب بازار جهانی تریاک، دو جنگ موسوم به «جنگ تریاک» را به چین تحمیل کرده بود. از طرف دیگر بزرگ‌ترین صادرکننده منسوجات و کالاهای صنعتی به ایران بود. بنابراین منافع دوجانبه انگلیسی‌ها ایجاب می‌کرد که برای حفظ ظرفیت اقتصادی خود در بازار جهانی و تأمین هزینه‌های کالاهای صادراتی خود به ایران، کاشت خشخاش را در ایران رواج دهند. بریتانیا این نقش را از طریق کمپانی‌های بزرگ تجاری و برخی تجار داخلی، که از آنها به بورژوازی کمپرادور یاد می‌شود که نماینده و یا وابسته آن در ایران بودند.

تریاک که در چارچوب اقتصاد برونزا و وابسته ایران به یک کالای تجاری تبدیل شده بود، تحت تأثیر برخی عوامل درونی روند تولید آن بسیار تشدید شد. بیماری کرم ابریشم که در ۱۸۶۴م. در ایران رخ داد و سهم این محصول استراتژیک را در صادرات ایران به مقدار زیادی کاهش داد، باعث شد که ناخواسته و ناگزیر اقتصاد ایران به سمت

تولید کالایی پیش برود که بازار جهانی خواستار آن باشد. این سهم را ابتدا پنبه به عهده گرفت و در فاصله جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۴-۱۸۶۰) به خوبی این نقش را ایفا کرد. بعد از پایان جنگ‌های داخلی آمریکا و اشباع بازار جهانی به واسطه فعال شدن ظرفیت آمریکا در این بخش، تریاک در آن وضعیت اقتصادی ایران بهترین گزینه برای افزایش تولید بود.

برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد این ماده خام مانند راحتی حمل و نقل، خوش‌بار بودن، فسادناپذیری و سود بالای آن نیز در این روند نقش تسریع‌کننده و تشویق‌کننده بر عهده داشتند و به نوعی این کالا از طریق این ویژگی‌های خاص تبلیغ شد و افراد و مراکز زیادی به این واسطه به تولید تریاک تشویق شدند. در واقع ویژگی‌های خاص تریاک بعد از این که این محصول در اقتصاد ایران تجاری می‌شود، نقش مهمی در استقبال از کشت آن داشت و کشت آن بر بسیاری از محصولات دیگر ترجیح داده شد.

اقتصاد سیاسی ایران پای دولتمردان را به هر فعالیت تولیدی و تجاری پرسود باز می‌کرد، به ویژه اگر کالایی چون تریاک مطرح بود که امکان رانت بیشتر را به لحاظ قابلیت صدور آسان و قابلیت نقد شدن را داشت. نمونه بارز چنین نقشی را میرزا حسین خان سپهسالار ایفا کرد. او که سابقه همکاری با شرکت سانسون در تجارت تریاک در بمبئی داشت در دوره صدارت نیز با افزایش چشمگیر کشت تریاک، سهم منافع خود را بالا برد. عدم اخذ مالیات از اراضی زیر کشت خشخاش و حتی در مواردی اجبار در کشت آن نشانگر تأثیر دولتمردان در افزایش سهم تریاک در کالاهای تجاری ایران دوره قاجار است. اما باید به یاد داشت که همچنان نقش اصلی در صورت‌بندی این نوع از اقتصاد، جایگاه حاشیه‌ای ایران در نظام اقتصاد جهانی بود.

منابع و مآخذ

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: نشر کلمه.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات*. با مقدمه و فهارس از ایرج افشار. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- افشاری، پرویز (۱۳۷۲). *صدر اعظم‌های قاجاریه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امجد، محمد (۱۳۷۹). «تاریخ اقتصادی ایران». ترجمه حسین مفتخری. *نشریه علوم سیاسی*. سال سوم. شماره دهم.
- اولتاریوس، آدام (۱۳۶۳). *سفرنامه*. ترجمه احمد بهپور. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). *شرح رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری*. ج اول، تهران: انتشارات زوار.
- بروف، رایان روکس (۱۳۶۹). *نظریه‌های توسعه‌نیافتگی*. ترجمه علی هاشمی گیلانی. تهران: سفیر.
- تاجبخش، احمد (۱۳۶۲). *سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی)*. تهران: اقبال.
- تحویلدار، میرزا حسین (مرداد ۱۳۴۲). *جغرافیای اصفهان*. به‌کوشش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۴). *تجّار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران. چاپ اول.
- جمالزاده محمدعلی (۱۳۶۲). *گنج شایگان*. تهران: انتشارات کتاب تهران. خرداد.
- چینی‌چیان، مرتضی (۱۳۶۶). «تجارت خارجی و وابستگی اقتصادی (۹۰۰-۱۹۰۰)». *مجموعه اقتصاد «اطلاعات سیاسی-اقتصادی»*. علمی - ترویجی. شماره هفتم.
- *روابط بازرگانی ایران و انگلیس از دوران فرمانروایی مغولان تا پایان عهد قاجاریه*. جلد اول، تهران: سلسله انتشارات.

- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). *از خراسان تا بختیاری*. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- دوئیچ، کارل، رابرت کوهن و دیگران (۱۳۷۵). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*. ترجمه و تدوین وحید برزگی. جلد اول. تهران: نشر ماجد.
- رایت، دنیس (۱۳۵۷). *انگلیسیان در ایران*. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: دنیا.
- رواسانی، شاپور (بی‌تا). *دولت و حکومت در ایران*. تهران: نشر شمع.
- رونالد، چیلکوت (۱۳۷۵). *نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی: در آمدی بر مسائل اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان سوم*. ترجمه و تلخیص احمد ساعی. تهران: نشر علوم نوین.
- ساعی، احمد (۱۳۸۴). *توسعه در مکتب متعارض*. تهران: نشر قومس.
- سانتوز، تی. دوس (۱۳۵۸). *بحران نظریه توسعه و مسائل توسعه نیافتگی در آمریکای لاتین (مجموعه مقالات)*. گردآوری شده توسط گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه‌ای. بی‌جا. نشر ایران.
- سیف، احمد (۱۳۸۷). *قرن گم‌شده: اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نشر چشمه. چاپ اول.
- شاردن (۱۳۳۶). *سیاحتنامه شاردن*، ج ۴، ترجمه، تهران: امیرکبیر.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۷۷). *زرسالاران یهودی و پاریسی استعمار بریتانیا و ایران*. جلد اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- صدرالاشرفی، مهربار (۱۳۶۸). *اقتصاد کشاورزی و تعاون*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طاهری، ابوالقاسم (بی‌تا). *تاریخ انجمن آثار ملی*.

- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره. چاپ اول.
- فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری*. ج ۲. به تصحیح و تحشیه از منصور رستگاری فسایی. تهران: امیرکبیر. چاپ اول.
- فلاندرن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه*. ترجمه حسین پورصادقی. تهران: اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سرّی. ۲ جلد. بی‌جا، بی‌نا.
- فوران، جان (۱۳۷۱). «مفهوم توسعه وابسته، کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار». ترجمه علی طایفی. *مجموعه اقتصاد «اطلاعات سیاسی - اقتصادی»*. شماره ۵۵ و ۵۶.
- _____ (۱۳۸۹). *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب*. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. چاپ دهم.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۴۱). *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین. چاپ اول. ۱۳۳۵. چاپ دوم.
- کولا کینا، لودمیلا. *استیلا امپریالیسم بر ایران*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: علم. ۱۳۵۹.
- کرزن، جرج. ن (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غ. وحید مازندرانی. ۲ جلد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ دوم.
- مایر، جرالدام و دادلی سیرز (۱۳۶۸). *پیشگامان توسعه*. ترجمه سید علی اصغر هدایتی و علی یاسری. تهران: انتشارات سمت.
- مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین (۱۳۸۴). *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*. به کوشش م. ع. سپانلو. ۳ جلد. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه. تهران.
- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۲۲ه.ق. کارتن ۱۵، پرونده ۱۴، ۱۶۴.

- _____، ۱۳۲۲ه.ق. کارتن ۱۵، پرونده ۱۴، ۱۶۴.
- _____، ۱۳۱۲ه.ق. کارتن ۲۴، پرونده ۳، ۳.
- معتضد، خسرو (۱۳۶۶). *امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران*، تهران: انتشارات جاززاده، چاپ اول.
- مهدوی، شیرین (۱۳۷۹). *زندگی‌نامه حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب*، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینکلو، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
- ن.آ. کوزنتسو، و دیگران (۱۳۸۶). *پژوهش‌هایی پیرامون تاریخ نوین ایران*. ترجمه سیروس ایزدی و میتزادات ایزدی. تهران: نشر زوار. ۱۳۸۶.
- نوری، حسین (۱۳۸۳). «خوب یا بد سپهسالار». *تشریح زمان*. شماره ۲۸.
- *وقایع/اتفاقیه (۱۳۸۷)*. به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: نشر ذهن‌آویز.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳). *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا. بی‌جا: مؤسسه انتشارات ایران زمین. چاپ اول.
- هدایت، مهدی‌قلی خان (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات*. نشر زوار. بی‌جا.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز. چاپ هفتم.
- هولستر، ارنست (۱۳۵۵). *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*. ترجمه محمد عاصی. تهران: وزارت فرهنگ.
- یوشیدا، ماساهارو (۱۳۷۳). *سفرنامه*. ترجمه هاشم رجب‌زاده با همکاری نی‌ئی یا. مشهد: آستان قدس رضوی. مؤسسه چاپ و انتشارات.
- **Blue Book**. Report by mr. Baring on trade and cultivation of opium in Persian commerce. No 3, 1882.
- Floor, Willem, **Agriculture in Qajar Iran**, Washington, Mage Publishers (2003).
- Seyf, **commercialization of agriculture production and trade of opium in persia, 1850-1906**.